

## کارگران وارد صحنه می شوند!

در بحبوحه دعوای خانوادگی هیئت حاکم بر سر قدرت و جانبداری اپوزیسیون خارج از کشور، از بخش های «رادیکال» و غیر رادیکال «اصلاح طلبان»، مبارزات ضد سرمایه داری کارگران ایران تداوم می یابد. زیرا برای کارگران ایران تحولات اخیر تا مدامی که پاسخگویی وضعیت اقتصادی آنها نباشد، از اهمیتی بر خوردار نیست. از زاویه منافع کارگران، باندهای حاکم و همچنان مخالفان «اصلاح طلب» غیر حکومتی رژیم، هیچ کدام، کوچکترین گامی برای بهبود وضعیت کارگران بر نداشته اند. گرانی مواد معیشتی و پائین بودن دستمزدهای و عدم دریافت حقوق و مزایای قانونی، کارگران را در تنگنایی فزاینده تری قرار داده است. کارگران ایران به تجربه دریافته اند که قول و قرارهای خاتمی و همرايش همه «پوچ» و بی اساس هستند. آنان تحت چنان فشاری قرار گرفته اند که هیچ راهی جز گرفتن سرنوشتشان در دستهای خود، ندارند.

اعتراض های اخیر کارگری در ایران نشاندهنده چنین وضعیتی است. برای نمونه، در روزهای اخیر، قریب بر ۱۵۰۰ تن از کارگران ریسندگی و بافندگی سیمین اصفهان به علت عدم دریافت حقوق چند ماهه خود دست به تحصن زدند (کیهان)؛ هشتصد نفر از کارکنان شرکت ملی حفاری ایران در ۲۴ مهر در اعتراض به اقدام یک طرفه مسئولان وزارت نفت در فروش صددرصدی سهام شرکت حفاری، دست به تحصن زدند. چهارصد نفر کارگر مجتمع فولاد برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست به اعتراض زدند. ۱۴۰ نفر از کارگران بخش تعمیر و نگهداری کوره ها در مجتمع صنعتی اهواز در مقابل در ورودی مجتمع دست به اعتراض زدند و خواهان پرداخت حقوق معوقه ۷۰ روزه خود شدند (۱۱ مهر). همچنین کارگران مجتمع صنعتی شباب در غرب کرمانشاه، کارگران کارخانه تخته سه لای ساری، کارگران کارخانه نساجی شماره ۲ و ۳ قائم شهر نیز در هفته های پیش برای حقوق معوقه خود دست به تحصن زدند. در

ماه‌های پیش نیز کارگران چراغ‌های خوراک‌پزی علاءالدین در جاده کرج؛ کارگران معدن سنگ آهن مرکزی ایران-بافق، کارگران شرکت برق استان سیستان و بلوچستان؛ کارگران شرکت جامکو؛ و غیره برای حقوق خود دست به اعتراض و اعتصاب زدند.

بدیهی است که سازماندهی و حرکت‌های کارگری در ایران «نطفه» ای و بدون تدارکات و سازماندهی ضروری، صورت می‌پذیرد. اما، مطالبات صنفی کارگران در اسرع وقت به مطالبات سیاسی منجر می‌گردند. آنچه برای کارگران پیشرو در ایران طرح گشته، حمایت از این یا آن جناح هیئت حاکم نیست. تجمع‌ها و تشکل‌های مرتبط به دولت که هم اکنون به این یا آن دسته طرفداران «اصلاحات» تکیه کرده‌اند، مسئله کارگران را حل نخواهند کرد. کارگران پیشرو نیک می‌دانند که حتی در صورت توفیق اصلاح طلبان و احیای یک نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیزم در ایران، نه تنها باری از دوش آنها کاسته نمی‌شود که استثمار آنها تشدید نیز خواهد گشت.

از اینرو، مبارزه در راستای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و ایجاد یک «اتحادیه مستقل» کارگری، در دستور روز قرار گرفته است. کارگران ایران با هر عقیده و نظر سیاسی و اعتقاد مذهبی به شرط آنکه «مستقل» از دولت سرمایه‌داری باشند، قادرند در چنین تشکلی عضویت داشته و همراه با سایر همقطاران خود برای دستیابی برای حقوق خود به شکل سراسری و متشکل وارد مبارزه با دولت سرمایه‌داری شوند.

بنابراین، برای هماهنگی و انتقال تجارب اعتراض‌های و اعتصابات کارگری و همچنین پیشبرد مؤثر مطالبات، کارگران به اتحادیه مستقل کارگری نیازمند هستند. مبارزه در راستای ایجاد یک اتحادیه مستقل کارگری می‌تواند به یکی از شعارهای محوری کارگران تبدیل گشته و دفاع از چنین تشکلی یکی از وظایف اساسی اپوزیسیون چپ در خارج و متحدان بین‌المللی شان می‌باشد.

هیئت مسئولان «اتحادیه سوسیالیست‌های انقلابی ایران» <http://www.kargar.org>